سینما

«زندانی‌ها»ی ده‌نمکی بزودی جلوی دوربین می‌رود

مسعود ده‌نمکی بزودی با انتخاب نهایی بازیگران، فیلم سینمایی «زندانی‌ها» را جلوی دوربین می‌برد. به گزارش مهر، مسعود ده‌نمکی این روزها در تلاش برای ساخت جدیدترین اثر سینمایی خود با نام «زندانی‌ها» است که در تهران جلوی دوربین می‌رود. مراحل پیش‌تولید این فیلم مدتی است آغاز شده و قرار است بزودی فیلمبرداری آن آغاز شود. ده‌نمکی در مرحله انتخاب بازیگران برای این فیلم اجتماعی است و قرار است «زندانی‌ها» نیز مانند دیگر آثار این کارگردان از بازیگران متعددی بهره ببرد. مسعود ده‌نمکی آخرین بار فیلم سینمایی «رسوایی ۲» را در سال ۱۳۹۴ جلوی دوربین برد. «زندانی‌ها» نیز همانند دیگر آثار این کارگردان یک اثر اجتماعی و طنز است. «زندانی‌ها» پاییز سال ۱۳۹۶ پروانه ساخت گرفت.

■■■

ناصر ملک‌مطیعی درگذشت

ناصر ملک‌مطیعی، بازیگر پیشکسوت سینمای ایران، در سن ۸۸ سالگی از دنیا رفت. به گزارش ایسنا، زنده‌یاد ناصر ملک‌مطیعی متولد ۱۳۰۹ در تهران بود و در حدود ۱۰۰ فیلم و سریال در قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایفای نقش کرده بود. وی علاوه بر بازیگری، سابقه نویسندگی و تهیه‌کنندگی سینما را نیز در کارنامه فعالیت‌های فرهنگی و هنری خود داشت. ملک‌مطیعی پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سینما حضور چندانی نداشت فقط در سال ۱۳۹۲ در فیلم سینمایی «نقش نگار» به کارگردانی علی عطشانی ایفای نقش کرد. این بازیگر پیشکسوت طی روزهای گذشته به علت نارسایی کلیه و تنگی نفس در بیمارستان بستری شده بود که در سن ۸۸ سالگی دارفانی را وداع گفت.

گیشه

هفته خوشبختی فیلم‌های کمدی

فیلم سینمایی «تگزاس» به کارگردانی مسعود اطیابی در هفته‌ای که گذشت توانست سهم مناسبی از فروش سینمای ایران را از آن خود کند. به گزارش فارس، در هفته‌ای که گذشت با ادامه پیدا کردن طرح اکران ماه مبارک رمضان، فروش متوسطی از آن فیلم‌های سینمای ایران شد و علت وجود این فروش متوسط از نظر رئیس کانون پخش‌کنندگان سینما، عدم تبلیغات لازم برای این طرح اکران بوده است. براساس آمار ارائه شده از سوی دفاتر پخش، تاکنون فیلم سینمایی «مصادره» ۱۵ میلیارد و ۳۵۰ میلیون تومان، «لاتاری» ۱۴ میلیارد و ۵۳۰ میلیون تومان، «به وقت شام» ۱۳ میلیارد و ۳۰۰ میلیون تومان، «لونه زنبور» ۹ میلیارد و ۱۰۰ میلیون تومان، «تگزاس»۷ میلیارد و ۴۰۰ میلیون تومان، «فیلشاه» ۷ میلیارد و ۲۵۰ میلیون تومان، «عصبانی نیستم» ۲ میلیارد و ۳۵۰ میلیون تومان، «چهارراه استانبول» یک میلیارد و ۸۰۰ میلیون تومان و «خجالت نکش» یک میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان فروش داشتند. براساس این گزارش در هفته گذشته فیلم‌های سینمایی«تگزاس»، «عصبانی نیستم» و «خجالت نکش» توانستند بیشترین فروش هفتگی را از آن خود کنند.

سینمای جهان

دنی بویل رسماً کارگردان جیمز باند جدید شد

دنی بویل، کارگردان انگلیسی به عنوان کارگردان جمیز باند با بازی دنیل کریگ معرفی شد. این فیلم قرار است در سال ۲۰۱۹ اکران شود. به گزارش تسنیم، پس از ماه‌ها شایعات و گزارش‌ها، شرکت Eon تأیید کرده است دنی بویل، جمیز باند پیش‌رو را کارگردانی می‌کند. این برنده جایزه اسکار قرار است با جان هاج، فیلمنامه‌نویس «رگ‌یابی» همکاری کند. بویل و هاج در سال ۱۹۹۶ فیلم یادشده را تولید کردند. دنی بویل در سال ۲۰۱۲ در جریان بازی‌های المپیک با دنیل کریگ در نقش باند یک فیلم کوتاه ساخته است. دنیل کریگ آگوست سال گذشته فاش کرده بود جمیز باند بعدی را بازی خواهد کرد. او پیش از این ۴ بار در نقش جیمز باند ظاهر شده بود.

گفت‌وگوی «وطن‌امروز» با مهدی طوسی، کارگردان مستند «شجریان، از سپیده تا فریاد»

برای فراموش کردن دعواها!

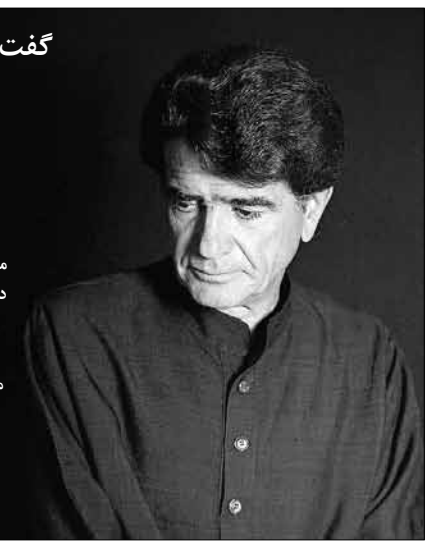

محسن شهمیرزادی: «شجریان، از سپیده تا فریاد» روایت فراز و فرودهای زمانه و زندگانی محمدرضا شجریان است؛ خواننده‌ای که سال‌ها آوازش در دل مردم جا داشت، اما اتفاقات سال ۸۸ مسیر زندگی او را به گونه‌ای دیگر رقم زد. روایتی از یک خطای دوجانبه؛ نخست احساساتی که کنترل نشد و هنرمندی که جایگاه خود را نشناخت و دوم نگاهی که روحیه حساس هنرمند را درک نکرد. مهدی طوسی اگرچه تلاش کرده زندگی شجریان را به تصویر بکشد، اما در واقع مستند او نقدی به یک چالش مهم در ایران است؛ هنرمندانی که از نعمت و بلای احساساتی بودن‌شان بهره و رنج می‌برند و شهرت خود را مجوز لازم برای ورود به هر موضوعی می‌دانند. حال این موضوع می‌تواند درباره سیاست باشد یا اقتصاد، معضلات اجتماعی باشد یا جنگ‌های بین‌المللی. طوسی در این مستند تلاش کرده جانب انصاف را رعایت کند و از خط و ربط‌های سیاسی فاصله بگیرد تا به قضاوت فرهنگ‌محور خود برسد، هرچند به نظر می‌رسد در خوشرنگ نشان دادن چهره شجریان تا حدودی اغماض کرده است. «شجریان، از سپیده تا فریاد» قرار است امروز در دانشگاه تهران رونمایی شود به همین بهانه به گفت‌وگو با طوسی نشستیم و از پیچ و خم این کار پرسیدیم.

■ از اتفاقات ۸۸ یک دهه می‌گذرد و بسیاری از رسانه‌ها جز در مواقع ضروری - مثل انتخابات یا در ماه رمضان - دیگر اقبالی به موضوع شجریان ندارند. چه انگیزه‌ای باعث شد الان به سمت ساخت این مستندبروید؟

ببینید! مسأله برای اینکه انگیزه شود تا به ماجرا ورود کنیم زیاد است. برای مثال همین صورت سوأل خود شما که گفتید عده‌ای صرفاً در ایام انتخابات یا ماه رمضان یاد ایشان می‌افتادند، یکی از انگیزه‌ها بود. شأنی از آقای شجریانی که علاقه‌مندان ایشان در خاطر دارند، شأن یک هنرمند فاخر در تاریخ هنر موسیقی و آواز ایرانی است. بزرگان موسیقی ایران گفته‌اند شجریان گوشه‌هایی را که سال‌های سال آرزویش را داشتیم بخوانیم و نمی‌توانستیم، همه را خوانده است. در ذکاوت، هوشمندی، توانایی و تسلط او بر حنجره، استعداد و هنرش بارها بدون تعارف اهالی فن صحبت کرده و حتی به تعبیری برخی از رقیبانش به این توانایی اعتراف کرده‌اند اما متأسفانه درباره چنین فردی با چنین وقار موسیقایی دلنشینی به یک باره می‌بینیم که وقتی پای سیاست‌زدگی وسط کشیده می‌شود، هجوم اتفاقات و بازی‌های رسانه‌ای ماجرا را چقدر بغرنج و حتی مبتذل می‌کند. کار به جایی می‌رسد که هر جریانی به خودش اجازه می‌دهد در راستای منافع و مطامع خود یا جریان متبوعش حالا با تابلو یا برند هواخواهی یا متقابلاً تخریب، این شأن را لگدمال کند. فارغ از اینکه مقصر یا زمینه‌ساز این اتفاقات چه کسی است، چه اینکه هر کسی می‌تواند سهمی در این میانه داشته باشد، لازم دیدیم ابتدا این درهم‌تنیدگی سیاست‌زدگی و وقار هنری از هم تمیز داده شود. تصور می‌کردیم این زاویه ورود، شرط اول برای رعایت آنچه بتوان از آن تعبیر به انصاف کرد درباره ایشان خواهد بود. متأسفانه فضا به‌گونه‌ای رقم خورده است که نگاه‌های ابزاری و سوءاستفاده‌گر در این بلبشوی پیش‌آمده بیشترین بهره‌برداری را به نفع خود می‌کنند. افرادی که شاید در تمام این سال‌ها هیچ نسبتی با هنر آقای شجریان برقرار نکرده بودند و حتی یک شنونده معمولی آثار ایشان هم نبودند، به یکباره خود را هوادار ایشان معرفی می‌کردند، مشخص است که این افراد هوادار چه چیزی هستند. آنها محمدرضا شجریان را به خاطر حواشی پیش‌آمده می‌خواستند و نگاه‌شان به ایشان یک نگاه درخور شأن و تراز هنرمندانه ایشان نبود؛ چه اینکه اگر قدری در فضای مجازی یا صفحات رسانه‌های تعدادی از اینها بگردید خواهید دید که بعد از مدتی یا موضوع را تا موقعیت هیجانی بعدی و راه‌اندازی یک شلوغ‌بازی دیگر فراموش می‌کنند یا اینکه اگر اظهارنظری از آقای شجریان در جهت تبیین مواضع‌شان بشنوند تحمل نکرده و به کتمان و حتی تخریب ایشان هم می‌پردازند. شاهد مثال برای این حرف‌ها بسیار است، وصفش بماند برای بعد.

■ خب! شما فکر می‌کنید دلیلش چیست؟ ریشه این مدل مواجهه را چه می‌دانید؟

ببینید! من فکر می‌کنم ریشه‌اش در همان رادیکالیسمی است که در جامعه ما رسوخ کرده است. برخی منافع‌شان را در تند کردن فضا دنبال می‌کنند، مصداق این افراد می‌تواند یک رئیس‌جمهور یا یک مقام مسؤول باشد، می‌تواند یک ژورنالیست باشد یا حتی مردم عادی کوچه و خیابان. شما براحتی با گشت و گذار در همین کانال‌های تلگرامی یا صفحات اینستاگرامی یا دیگر شبکه‌های اجتماعی و... می‌توانید برای این منش شاهد مثال پیدا کنید. مثلاً درباره همین موضوع آقای شجریان افرادی را می‌بینید که اساساً کاری با آقای شجریان یا واقعیت ماجرا ندارند و صرفاً بر اساس پندار یا قضاوت خود حکم می‌کنند، حتی اگر موضع آنها با شجریان واقعی در تناقض باشد، حکم خودشان را درباره وقایع صادر می‌کنند و حتی اگر لازم باشد در جایی که مواضع‌شان متناقض با شجریان واقعی بوده یا تغییر کرده باشد، مصرانه بر نظر خود پافشاری می‌کنند و چه بسا ایشان را تکفیر هم بکنند. فرقی هم میان مخالف یا موافق دوآتشه نیست؛ کسانی که فکر می‌کنم از طرفین ماجرا با مستند «از سپیده تا فریاد» هم چندان ارتباط برقرار نکنند و مثل همیشه حکم‌های تند از پیش انتخاب شده صادر کنند.

■ ما همیشه در همه مسائل در همه کشورهای جهان این جنس جریانات یا افراد را می‌بینیم، طبیعی است که در هر جامعه‌ای افرادی با گرایشات اینچنینی هم وجود داشته باشند، چطور می‌شود مسأله آقای شجریان زمینه‌ای پیدا می‌کند که این افراد مجال پیدا کنند در این موضوع اینطور مانور بدهند و به نوعی فرمان کار را در دست بگیرند؟ ادامه این روند تا کجاست؟ جایی برای توقف دارد؟

اگر جریانات معتدل و جامع‌نگر سکوت کنند و به ماجرا ورود نکنند و مانع یکه‌تازی این جریانات نشوند این روند طبیعی است که نه‌تنها متوقف نخواهد شد بلکه با تلاشی که برای کانالیزه کردن جامعه در هر موضوعی دارد، چون به هر حال به سمپات و هوادار نیاز دارد، کار را به جاهای باریک‌تر هم می‌کشاند و تعصب کور جایگزین منطق و گفت‌وگو و تعامل می‌شود. عموم مسائل و چالش‌هایی که با تحمل، مدارا و گفت‌وگو قابل حل و فصل است تبدیل به عقده‌ها و گره‌هایی می‌شود که براحتی باز نخواهد شد، البته این در کوتاه‌مدت و میان‌مدت است و با گذر زمان که جوامع به ابعاد گوناگون ماجرا دسترسی پیدا می‌کنند و می‌توانند دقیق‌تر و اندازه‌گیری‌شده‌تر درباره ماجرا نظر بدهند، این رادیکالیسم پایان داده خواهد شد اما در این بین و در طول این زمان هزینه‌ها گاهی اوقات بسیار سنگین و در مواردی غیرقابل جبران خواهد شد. درباره آقای شجریان هم من فکر می‌کنم ماجرا همینطور شده است.

■ درباره اینکه زمینه این مسائل چطور ایجاد می‌شود، نگفتید.

بله! درباره آن فکر می‌کنم باز هم ریشه ماجرا از جایی آغاز شد که رفتارهایی از همین جنس شکل گرفت، اگر سال ۸۸ را مرور کنید کم از این جنس رفتارها نمی‌بینید؛ از ادعاهایی که مطرح شد و تن به پذیرش رویه قانونی داده نشد تا اظهارنظرهایی که فکر نشده از زبان طرف مقابل بیان شد و نتیجه شد آن اتفاقات تلخ کف خیابانی و همینطور می‌شود که محیط جامعه بهشت افراد رادیکال می‌شود و تا می‌توانند مانور می‌دهند و لحظه به لحظه آتش آنها دامن افراد مختلف را می‌گیرد. به هر حال هزینه‌های آن اتفاقات در تکه‌تکه کردن جامعه ایرانی با گذشت نزدیک به یک دهه هنوز مشهود است و قربانیان زیادی گرفت؛ از کشته‌شدگان و مجروحان بگیرید تا آنانی که آبرو و روابط و عواطف‌شان لطمه دید. آقای شجریان هم فکر می‌کنم یکی از قربانیان همین رادیکالیسم بودند و هزینه کم ندادند. به همین دلیل نباید اجازه بدهیم این روند ادامه پیدا کند ولو اینکه برخی از طرفین ماجرا ناراحت شوند.

■ چند بازه زمانی مهم زندگی آقای شجریان هست که در این مستند چندان به آنها پرداخته نشده است. بازه‌هایی چون اختلاف او با مشکاتیان، ذوالفنون، جدایی لطفی از او و... . آیا تعمدا می‌خواستید این مسائل مطرح نشود یا دلایل دیگری داشته است؟

ببینید! بخشی از اینها مسائل داخلی و خانوادگی هم بوده است که خب درست نمی‌دانستیم ورود کنیم و از کنار ماجرا رد شدیم و نقش چندانی هم در آنچه مسأله مد نظر ما بود، نداشت. درباره جدایی از جناب لطفی و دیگران هم بحث مفصل است و نمی‌شود یک‌طرفه قضاوت کرد. دسترسی به جزئیات بیشتری لازم است تا داوری درباره این اتفاقات حداقل نزدیک به انصاف باشد، ضمن اینکه فکر می‌کنم ورود به این مسائل که ممکن است در زندگی همه ما به نوعی وجود داشته باشد، به زاویه ورودی که برای کار انتخاب کرده بودیم، کمکی نمی‌کرد.

■ در زمان تولید این مستند، آیا با افراد دیگری هم درخواست گفت‌وگو داشته‌اید که از این کار امتناع کنند. امکانش هست نامی از آنها بیاورید و استدلال‌شان برای عدم مصاحبه را بگویید؟

بله! چندین نفر دیگر هم بودند که از بیان نام‌شان معذورم و هر کدام براساس دلایل و توجیهات خاص خودشان که برای‌مان گفتند، همراه نشدند. مثلاً برخی وضعیت جسمانی و سلامت‌شان اجازه نمی‌داد در خدمت‌شان باشیم، برخی اصل ماجرا را بشدت سیاسی‌شده و حتی امنیتی تفسیر می‌کردند و به‌اصطلاح می‌گفتند حوصله دردسر نداریم و درباره این ماجرا به سبب حواشی احتمالی‌اش تمایل به گفت‌وگو نداشتند، برخی هم حرف‌هایی می‌زدند و بعد جلوگیری از ایجاد کدورت را دلیل خود برای امتناع از گفت‌وگو برمی‌شمردند و مواردی از این دست. اما همانطور که قبلاً در گفت‌وگو با یک رسانه دیگر گفتم، ما در انتخاب افراد چند ملاحظه جدی هم داشتیم، مثلاً نکته اصلی این بود که جز چند مورد محدود، هر کسی را شایسته این سطح نمی‌توان دانست که وجاهت و شأنیت لازم برای سخن گفتن درباره آقای شجریان را داشته باشد، البته برخی از افرادی هم که چنین جایگاهی داشتند متاسفانه فوت کرده‌اند. همین شد که در این اثر در خدمت اساتیدی بودیم که رفاقتی ۴۰-۳۰ ساله با ایشان دارند و روزهای زیادی در کنار ایشان بودند یا از نزدیک‌ترین شاگردان و همنشینان ایشان بودند.

■ آیا شما به عنوان سازنده مستند راه‌حلی برای این مساله بعد از یک دهه در نظر دارید یا صرفا خود را توصیف‌گر موضوع می‌دانید؟

از تماشای مستند می‌توانید این را دریافت کنید که وقتی مشکل رادیکالیسم و سیاست‌زدگی است، پس راه‌حل هم فکر می‌کنم کمک کردن به فاصله‌گیری از این سیاست‌زدگی و رادیکالیسم است. ما در جامعه‌مان در موضوعات متعددی که مبنای اختلاف‌افکنی شده است، نیاز به تحمل و مدارا برای گفت‌وگو با یکدیگر داریم، اگر نه هزینه‌ها هر روز برای همه ما بالاتر می‌رود. درباره آقای شجریان هم خوب است هر جریانی سهم خود در به وجود آمدن این اتفاقات را بداند و بپذیرد که اگر برای حل این ماجراها دست نجنبانیم بعدها اول اینکه پشیمانی فایده‌ای ندارد و دوم اینکه ممکن است این زخم عمیق‌تر و بدخیم‌تر شود و تا سالیان سال دردسرساز باشد. بالاخره جریانات سوءاستفاده‌گر کم نیستند که از این تندشدگی نان بخورند.

■ واکنش‌های متفاوتی را در این روزها پیرامون این مستند شاهد بودیم. آیا با واکنش قابل توجهی روبه‌رو شده‌اید که نظر خود شما را جلب کند؟

فراتر از چیزی که پیش از انتشار اثر برایم قابل پیش‌بینی بود، خیر. حتی وقتی درباره نمایش اثر به برخی افراد فکر می‌کردم، احساس می‌کردم مواجهه آنها با اثر را می‌توانم حدس بزنم و جالب اینکه در اغلب موارد درست حدس زده بودم.

■ واکنش‌ها چطور بود؟

همه جوره‌اش بود و هست؛ موافق و مخالف و میانه. بعضی هم که همیشه حکم کلی می‌دهند و همیشه کارشناس جلوه می‌کنند، نظر آنها را هم می‌بینم اما کمکی به ماجرا نمی‌کند. برایم نظرات مثبت و منفی‌ای اهمیت دارد که شجریان مسأله‌شان است و می‌دانم نگران و ناراحت ادامه این مسیر هستند. برخی هم هستند که به دلیل تعصب‌شان روی برخی افرادی که در فیلم از آنها نام برده شده برآشفته می‌شوند و طاقت ندارند ایراد عملکرد آنها در برابر آقای شجریان بیان شود. این افراد هم شبیه همان‌هایی هستند که نگاه‌شان به آقای شجریان اصیل نیست و ایشان را در خدمت مواضع خود می‌خواهند.

یادداشت

می‌خواهیم سر شما کلاه بگذاریم!

مریم محمدی: «از سپیده تا فریاد» سوژه خوبی است و می‌توانست بسیار بهتر از آنچه درآمده، باشد. اینکه برای «محمدرضا شجریان» کسی دست به کار شده تا مستندی بسازد خوب است اما این سوژه با آن ظرفیت نباید مستندی بدین‌گونه می‌شد؛ شاید از نگاه بیرونی بتوان گفت مستندساز که بیشتر و پیش‌تر سابقه کار ژورنالیستی دارد، مجموعه‌ای از گفت‌وگوها با چند شخصیت نزدیک به شجریان را داشته و حالا برای این دکمه‌ها لباسی دوخته که نتیجه‌اش شده مستند «از سپیده تا فریاد»! به واسطه اهمیت سوژه طبیعتا در این مستند ما با غلبه محتوا بر فرم مواجهیم اما این اهمیت نباید مستندساز را از تکنیک و ساختار غافل می‌کرد. ایرادی که در کادربندی‌ها و موشن‌ها وجود دارد قابل چشم‌پوشی نیست و این خود شاید بزرگ‌ترین لطمه را به مستند زده باشد اما علاوه بر تکنیک می‌توان نقدهای جدی بر محتوا داشت. نخستین و شاید بزرگ‌ترین نقدی که بر محتوای مستند وجود دارد و باعث شده خروجی کار را نتوان یک روایت کامل از زندگی شجریان دانست، آن است که ظاهرا مستندساز تلاش دارد از کنار بخشی از حواشی جدی زندگی شجریان با نرمی عبور کند. اختلاف جدی شجریان با برخی اساتید حوزه موسیقی ایران مانند جلال ذوالفنون، پرویز مشکاتیان و محمدرضا لطفی چیزی نیست که بتوان از کنار آنها ساده گذشت اما مستندساز گذشته است! سال ۸۶ شجریان به موسیقی عرفانی تاخته بود و ذوالفنون در جواب آن ۱۲ بند مطلب مستدل آورده بود که آنچه می‌گوید درست نیست. ذوالفنون در جایی دیگر به سبک کاری شجریان نقد داشته و آن را فاقد نوآوری می‌دانست. از طرف دیگر مشکاتیان به چند دلیل با شجریان مشکل داشت؛ یکی از دلایل مالی بود. بخش دیگر به بداخلاقی و بدرفتاری‌های شجریان باز می‌گردد و مهم‌ترین اتفاق که بین شجریان و مشکاتیان اختلاف انداخت ماجرای طلاق مشکاتیان با همسرش بود. پرویز مشکاتیان، داماد محمدرضا شجریان بود اما اختلاف‌ها و درگیری‌های آن دو به‌قدری بالا گرفت که در سال ۶۵ افسانه شجریان- دختر محمدرضا شجریان- از پرویز مشکاتیان طلاق می‌گیرد. بیشترین اختلاف‌های شجریان که البته بیش از دیگران نیز رسانه‌ای شده مشکلات او با محمدرضا لطفی است؛ اختلافاتی که بحثش مبسوط‌تر از یک یادداشت کوتاه است و مستندساز تلاش کرده از کنار آنها عبور کند. مستند «از سپیده تا فریاد» را می‌توان تقریبا ۲ نیمه دانست؛ نیمی شجریان تا سال ۸۸ و نیمی هم شجریان ۸۸ تا امروز؛ به عبارت دیگر نیمی شجریانی با چهره ملی در حوزه موسیقی و نیمی شجریانی با چهره یک بازیگر سیاسی- جناحی؛ حال آنکه در نیمه دوم مستندساز سعی کرده اشتباهات شجریان را کمتر بیان کند و حتی آنجایی که شجریان خودش اشتباهاتش را در گفت‌وگوی با روزنامه ایران بیان می‌کند، مستندساز می‌خواهد هوای همه را داشته باشد و آنها را بیان نمی‌کند و بدین می‌پردازد که حالا همه‌چیز گذشته است و باید شجریانی که حال و روز خوبی ندارد را دریابیم. با این همه اما شاید مهم‌ترین نکته درباره شجریان که مستند توانسته بخوبی به‌آن بپردازد سوءاستفاده سیاسی از او بوده است. شاه‌کلید این مستند را باید جمله صادق صبا در مستند BBC که خطاب به شجریان می‌گوید- و در این مستند هم آمده- دانست: «می‌خواهیم سر شما کلاه بگذاریم.» خیلی از سیاسیون سر شجریان کلاه گذاشتند و از او سوءاستفاده کردند و این مستند خوب توانسته این مسأله را بیان کند.

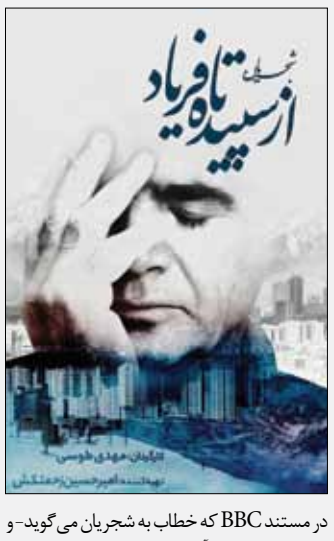

رمضان‌نامه

آرامش

■ فاطمه‌عبدالوند ■

کنارم بمان
کنار منی که تازه
همین روزها دارم به‌دنیا می‌آیم
از پس نگاه مهربانت
بعد از این حجم نامهربانی دنیا
به من که
هر سجده
گوش دلم را
آماده شنیدن صدای لبیک‌هایت کردم همین سحرها
که لقمه‌های مناجات
قوی می‌کند
استخوان‌های روحم را ...
همین‌تشنگی‌ها
که عطش دیدار تو را
بیشتر می‌کند برایم
سر بزن به دلم ...
جلوی همان‌ها که پس زده‌اند مرا
دورم انداخته‌اند از روزگارشان
همان وقت بیا
همه را کنار بزنم
تا تنها با تو کنار بیاید
تمام وجودم...
می‌دانم آنقدر کافی هستی برایم
که بودنت
جبران تمام نداشته‌های من است
سردرگمم
اینکه تو هم آرامم می‌کنی؟
با آمدنت
راز زیر و رو شدنم
از دستان تو فاش شود
فریاد بزنم، بودنت را...
زندگی کنم ...
بعد از این همه درد و کرختی
که از فرط باران‌های مداوم چشمانم
نه سویی مانده بود برای دیدن
و نه جانی برای ایستادن
تنها دستان بلند تو، مرا جانم داد...
ای سهم من، از تمام جهان
ممنون که کفایت می‌کنی مرا
خدای خوبم ...
برداشتی آزاد از آیه ۳۶ سوره زمر

نمایشگاه قرآن

نظر وزیر ارشاد درباره نمایشگاه قرآن امسال

سیدعباس صالحی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی از بیست‌وششمین‌دوره‌نمایشگاه بین‌المللی قرآن بازدید کرد. به گزارش ایکنا، وزیر ارشاد در حاشیه بازدید از نمایشگاه قرآن در مصلای تهران، در پاسخ به سؤالی درباره ارزیابی خود از نمایشگاه قرآن گفت: در نمایشگاه امسال شاهد چند تحول هستیم. نکته اول فضای بصری و جذابیت‌های ظاهری است که خوشبختانه نمایشگاه امسال از این نظر شرایط بهتری دارد. وی افزود: چند سالی است بحث‌های قرآنی با فضای مجازی نسبت ویژه‌ای یافته و به همین جهت امسال بخش فضای مجازی از لحاظ طبقه‌بندی و رویکرد شرایط بهتری نسبت به قبل پیدا کرده است. وزیر ارشاد با اشاره به راه‌اندازی بخش بین‌الملل نمایشگاه قرآن از روزهای آینده گفت: به نظر می‌رسد باید ظرفیت بین‌المللی قرآن را یکپارچه در یک جا نشان دهیم تا این تجمیع ظرفیت‌های داخلی، فرصت‌های جدیدی برای حضور ما در خارج کشور فراهم کند. اینکه بخش بین‌الملل بعد از چند سال غیبت دوباره راه‌اندازی می‌شود از دیگر نکات مثبت است.

کتاب

انتشار نخستین دفتر غزل با محوریت حضرت امام(ره)

«زنده‌تر از تو کسی نیست» عنوان نخستین دفتر غزلی است که با محوریت امام خمینی(ره) به همت رحیم زریان از سوی انتشارات اطلاعات منتشر شده است. به‌گزارش فارس، رحیم زریان با بیان اینکه این اثر، چند روزی است منتشر شده و روز چهارشنبه رونمایی خواهد شد، گفت: این کتاب، نخستین دفتر غزلی است که برای حضرت امام(ره) در ۲ فصل از آثار شاعران معاصر گردآوری شده است. این شاعر همچنین با بیان اینکه در این اثر، آثار حدود ۱۰۰ شاعر درج شده، افزود: آثار شاعرانی چون مرحوم قیصر امین‌پور، سیدحسن حسینی و... را در این کتاب مشاهده می‌کنیم. این اثر در ۳۰۴ صفحه از سوی انتشارات روزنامه اطلاعات منتشر شده است.